

آیات قرآن کریم آن قدر راجع به علم و راجع به دانش سفارش فرموده است که شاید در سراسر کتب دیگر نباشد. اسلام با تخصص، با علم، کمال موافقت را دارد، لکن تخصص و علمی که به خدمت ملت باشد؛ در خدمت مصالح مسلمین باشد...
صحیفه امام، جلد ۱۴



من جوانان عزیز را به یک مجاهدت حقیقی دعوت می‌کنم. مجاهدت فقط جنگیدن و به میدان جنگ رفتن نیست. کوشش در میدان علم، اخلاق، همکاری‌های سیاسی و تحقیق نیز برای مردم جهاد محسوب می‌شود.
۱۳۸۱/۱۲/۰۶



سخن سردبیر

گازنامه علمی انجمن علمی دانشکده علوم قرآنی شیراز *** نیمه اول مهر ۱۴۰۰ *** شماره ۱۰

به نام خداوند لوح و قلم

با پیشرفت روزافزون علم و فن‌آوری، ضرورت و نیاز انجام تحقیق و پژوهش بیش از گذشته احساس می‌شود. در این میان، کتاب‌ها، مجلات و نشریه‌ها سهم بسزایی در گسترش علوم و معرفی فن‌آوری دارد.

گاهنامه‌ی علمی فخر که جهت تجدید میثاق و ادای احترام به شهید سرافراز وطن، شهید فخری زاده، به این اسم نامگذاری شده است می‌کوشد تا گامی هرچند کوتاه در مسیر پیشبرد دانش بردارد، تا چه قبول افتد و چه در نظر آید.

نخستین شماره از گاهنامه‌ی علمی فخر با همت و همیاری اساتید معزز، دبیران گرامی انجمن‌های علمی علوم قرآن و حدیث و فقه و مبانی حقوق اسلامی، اعضای محترم انجمن‌های علمی و سایرین به زیور طبع آراسته شده است. از آنجا که تداوم انتشار این نشریه، با مشارکت و مساعدت پژوهشگران محترم میسر و میسر است؛ لذا از همه پژوهشگران دعوت به عمل می‌آید با ارسال مقاله‌های پرمایه ما را در این مهم یاری رسانند.

در پایان از دست‌اندرکاران نشریه که سهم بسزایی در انتشار و ارتقای کیفی آن داشته‌اند قدردانی به عمل می‌آید.

همتم بدرقه‌ی راه کن ای طایر قدس
که دراز است ره مقصد و من نو سفرم



شهادت حضرت رسول اکرم (ص)، امام حسن مجتبی (ع) و امام رضا (ع) تلیت باد.

۳ تحلیل فیلم

فیلم روح / soul

۴ رابطه قرآن و علم

بررسی دیدگاه‌ها

۴ معرفی کتاب

تفسیر مخزن العرفان

۷ دانستی‌های حقوقی

وکالت معاضدت

دولت کمک کنند. یکی از مصادیق آن، شفافیت آرای نمایندگان مجلس شورای اسلامی است. چندی پیش طرح شفافیت آرا پس از طی مراحل قانونی، برای تصویب به صحن علنی برده شد؛ اما رأی نیارود و اکنون نیز تقاضاهایی برای دوباره مطرح شدن آن است که ان‌شاءالله با تصویب این طرح، گامی در جهت افزایش سطح حقوق مردم برداشته شود. ما باید بدانیم هرچه از حقوق خود بیش‌تر مطلع باشیم، می‌توانیم مطالبه دقیق‌تر و مناسب‌تری داشته باشیم. پس در فهم و دانستن این حقوق، تلاش بیش‌تری انجام دهیم

خودش را به‌طور واضح در اختیار مردم قرار بدهد». سابقه دستور شفافیت به اسلام برمی‌گردد. امیرمؤمنان علی علیه‌السلام در نامه ۵۰ به امیران سپاه خود می‌گویند که «حق شما بر من این است که امری را از شما پنهان ندارم مگر مواردی که مربوط به اسرار جنگ است.» شفافیت باید در عرصه‌های مختلفی هم‌چون اقتصاد، سیاست و... ظهور و بروز کند. از آثار شفافیت این است که جلوی بسیاری از بدگمانی‌ها و اختلاف‌ها را خواهد گرفت. شفافیت، اعتماد مردم به حکومت را افزایش می‌دهد. هم‌چنین مردم با دانستن مشکلات کشور می‌توانند در حل مشکلات به

مهدی وحدتی

کارشناسی فقه و مبانی حقوق اسلامی

■ حق شفافیت

شهروندان از حق اداره شایسته امور کشور بر پایه ی قانون‌مداری، کارآمدی، پاسخ‌گویی، شفافیت، عدالت و انصاف برخوردارند. رعایت این حق توسط همه مسئولین و کارکنان الزامی است. این بند، متن ماده ۱۹ منشور حقوق شهروندی است. آری هر یک از ما به عنوان شهروند این جامعه باید بدانیم که شفافیت، یک حق و رعایت آن توسط مسئولین الزامی است. مقام معظم رهبری در معنای شفافیت می‌فرمایند: این‌که «مسئول در جمهوری اسلامی عملکرد

چهل غروب بی حسین (ع)

محبوبه غلامی پای برج
کارشناسی علوم قرآن و حدیث

سال ۶۱ هـ.ق عصر روز دهم محرم لشکر یزید بعد از این که امام حسین علیه السلام را به شهادت رساند به دستور فرماندهان خود دست به غارت و آتش زدن خیمه‌ها و آزار و اذیت خاندان نبوت زدند و امام سجاد، حضرت زینب و بقیه بازماندگان را به اسارت گرفتند و به کوفه نزد ابن زیاد و سپس به دربار یزید در شام فرستاده شدند.

مدتی که اسیران در شام اقامت داشتند رویداد های مهم تاریخی به وقوع پیوست که از همه مهم تر می توان به درگذشت دختر سه ساله امام حسین در خرابه شام، مناظره حضرت زینب (سلام الله علیها) و دیگر افراد خانواده سیدالشهداء با یزید و خطبه خوانی امام سجاد (علیه السلام) در حضور یزید، درباریان و اهالی دمشق در مسجد اموی اشاره کرد. مبارزه های پنهانی و آشکار اهل بیت (علیهم السلام) در حالت اسیری یزید را نزد مسلمانان بی اعتبار کرد و پس از مدتی، وضعیت شام را برضد یزید و به هواداری از امام حسین (علیه السلام) تغییر داد.

این موضوع باعث شد که یزید به

ادب نقل حدیث

علی حسین زاده

کارشناسی علوم قرآن و حدیث

یکی از آداب مهم نقل حدیث، چگونگی نسبت دادن آن به پیامبر (ص) و اهل بیت (ع) است. کلینی در کتاب خود از امام علی (ع) روایت کرده است که فرمود:

«إِذَا حَدَّثْتُمْ بِحَدِيثِ فَاسْنِدُوهُ إِلَى الَّذِي حَدَّثَكُمْ؛ فَإِنْ كَانَ حَقًّا فَلَكُمْ وَ إِنْ كَانَ كَذِبًا فَعَلَيْهِ.»

(الکافی، ج ۱، ص ۵۲)

هنگامی که حدیثی را نقل می کنید، آن را به کسی که آن را روایت نموده، نسبت دهید، که اگر درست باشد، به سود شماست و اگر دروغ باشد، به زیان راوی است.

بنابراین، برای رعایت احتیاط، توصیه اکید شده که هرکس می خواهد از کتب روایی، حدیثی را نقل کند، آن را مستقیماً به پیامبر (ص) و اهل بیت (ع) نسبت ندهد؛ بلکه حدیث را از طریق منبعی که آن را روایت کرده است، به آنان

کلی صدور فرمان قتل امام حسین (علیه السلام) و یارانش را تکذیب کند و گناه آن را به گردن عبیدالله بن زیاد والی کوفه بیندازد هم چنین به دلیل فشار افکار عمومی یزید مجبور شد پس از چندی، کاروان اهل بیت پیامبر را به مدینه باز گرداند. هنگامی که اهل بیت و بستگان امام حسین از شام به سوی مدینه ره سپار شدند در مسیر به سرزمین عراق رسیدند به راهنمای کاروان گفتند ما را از راه کربلا حرکت بده وقتی که به قتل گاه رسیدند، جابر بن عبدالله انصاری و جماعتی از بنی هاشم و مردانی از بستگان پیامبر را در آنجا دیدند که برای زیارت مرقد امام حسین به آنجا آمده بودند و همه در یک زمان در آنجا اجتماع نموده و با هم گریه و ناله و فریاد نمودند و سیلی به صورت می زدند و به گونه ای عزاداری می کردند که دل ها را شعله ور می نمود، زنانی که در آن نواحی بودند به آن ها ملحق شدند و چند روزی به عزاداری ادامه دادند. ابوریحان بیرونی می نویسد که سر مبارک امام حسین در روز اربعین به بدن ایشان ملحق شده است سپس کاروان به قصد مدینه از کربلا خارج شدند.

(برخی از اندیشمندان ورود اهل بیت را در روز اربعین سال ۶۱ هـ.ق انکار کرده اند) عظمت این مصیبت وارده بر امام حسین و اهل بیت ایشان بر هیچ کس پوشیده نیست که هر ساله سیل عظیمی از عاشقان امام حسین به یاد کاروان اسرا اهل بیت و برای هم دردی و عزاداری سیدالشهداء و نشان دادن وحدت بین مسلمانان این حرکت عظیم را به جای می آورند و برای سیدالشهداء در روز اربعین به عزاداری می پردازند. بدانیم که حسین زمان ما، تنهای تنهاست! درست مثل حسین و قرن هاست که حسین زمان هر روز فریاد می زند: «هل من ناصر ینصرنی» آیا کسی هست مرا یاری کند؟

منسوب نماید. برای نمونه، نگوید: «پیامبر (ص) فرمود» یا «امام (ع) چنین فرمود»؛ بلکه بگوید: «فلان کتاب، از پیامبر (ص) چنین روایت کرده است» و یا بگوید: «از پیامبر (ص) چنین روایت شده است.»

• کتاب تحکیم خانواده از نگاه قرآن و حدیث، ج ۱، ص ۹



جایگاه قاعده فقهی لاضرر
در اصول چهارگانه اخلاقی پزشکی

دکتر علی پورجوهری

هدف علم طب، دست یافتن به علم و مهارتی است که بتواند با نهایت مدارا و با کمترین تهاجم و تخریب و ضرر به بدن، سلامت انسان را تأمین نماید و لذا از نظر اصطلاحی حرفه پزشکی مجموعه ای از اقدامات، ارزش ها، رفتارها و توجهاتی است که در جهت حفظ منافع بیمار به عنوان فردی از کل جامعه به کار گرفته می شود و چون هدف حرفه ای پزشکی تسکین درد و آلام بیماران است پس تعهد پزشک نسبت به بیمار جهت تحقق این هدف، پزشک را موظف می سازد که علم و مهارت خود را با قابلیت و تعهد برای بهبود بیمار به کار گیرد.

در همین راستا و برای حفظ حقوق بیمار، پزشکان باید در برخورد با بیماران، اصولی را رعایت نمایند. این اصول چهارگانه بین المللی که به «اصول چهارگانه اخلاقی پزشکی» معروف شده عبارتند از:

۱. احترام به خودمختاری بیمار؛

۲. ارائه اقدامات مفید و سودمند؛

۳. جلوگیری از آسیب و صدمه؛

۴. رعایت عدل و انصاف.

در این میان شاید مشهورترین و رایج ترین اصل کلی در پزشکی، جلوگیری از آسیب و صدمه دیدن بیمار و متضرر شدن وی و به عبارتی آسیب نرساندن به بیمار باشد که می توان از آن به «اصل زیان نرسانیدن یا اصل عدم زیان آوری» تعبیر نمود که دقیقاً همان مفاد (قاعده لاضرر و لاضرار) می باشد.

بر اساس این اصل، پزشک و کادر درمانی باید به گونه ای رفتار نمایند که باعث زیان یا وارد آمدن جراحت غیر ضروری به بیمار نشود و پزشک باید به شیوه ای عمل کند که از زیان رسیدن به بیماران جلوگیری نماید، بنابراین وی مجاز نیست که به خاطر بی دقتی، عناد، بی توجهی و بی احتیاطی و یا عدم اطلاع و جهل علمی قابل اجتناب، عملی را که موجب متضرر شدن بیمار می گردد انجام دهد؛ لذا معیارهایی به نام «معیارهای مراقبت لازم» مشخص شده است تا بر اساس این معیارها، میزان مراقبت های بهداشتی ارائه شده به بیمار سنجیده شود و قصور کادر درمانی یا پزشک در رعایت این معیارها باعث مسئولیت آن ها می گردد. عدم رعایت معیارهای مراقبت لازم از سوی کادر درمان در حقیقت بستر اجرای قاعده لاضرر است و لذا قاعده لاضرر و لاضرار با مسئول دانستن عوامل اجرایی درمان و الزام به جبران خسارت درمان باعث می شود که حقوق بیماران پایمال نشود و مانع رواج بی احتیاطی و عدم دقت و سهل انگاری می گردد و در سایه این قاعده سلامت و حیات بیماران مورد حمایت قرار می گیرد



سید محمدصادق مصباحی
کارشناسی علوم قرآن و حدیث

یک شخصی که موسیقی‌دان و عاشق موسیقی بود، قصد داشت با یکی از استادان خانم موسیقی که تبحر بسیاری در این زمینه داشت، همکاری و شروع به فعالیت کند، که قرار و شروع همکاری با آن استاد برای او فراهم شد. این مرد قبل از این در یک مدرسه، موسیقی تدریس داشت. همان روزی که قرار بود به‌ترین اتفاق زندگی او (یعنی همان اجرای موسیقی) رقم بخورد، دچار حادثه شد و یک مرگ موقت برای او ایجاد شد. در این زمان او به دنیایی بین دنیا و آخرت که ما آن را برزخ می‌گوییم سفر کرد و در آنجا آدم‌های زیادی مثل او بودند که همگی بر روی مسیری به سمت بالا و به طرف نوری درخشان حرکت می‌کردند، اما این مرد چون به نظر خودش در واقع زندگی نکرده بود، یعنی زندگی اش ناتمام مانده بود، تلاش بسیاری کرد تا خودش را از این دنیای بینابینی خلاص کند و به دنیا برگردد اما در نهایت به دنیایی سقوط کرد که در آن بچه روح‌هایی بودند که تازه آماده زندگی در دنیا می‌شدند. این بچه‌ها باید مثلاً کمالات خود را می‌شناختند و ویژگی‌ها و اهدافی را که می‌خواستند در دنیای واقعی دنبال کنند شناسایی می‌کردند و یک بچه روحی بود که همه این کمالات و خصوصیات را هم تجربه کرده بود، اما به سرانجامی که بتواند هدف خود را مشخص کند، نرسیده بود؛ حال هر کدام از این بچه روح‌ها اصطلاحاً یک مربی داشتند تا استعدادها و خلاقیت خود را بشناسند و پا به عرصه وجود بگذارند. این مرد هم برای این‌که بتواند به دنیا برگردد

مربی همان بچه روحی شد که نتوانسته بود هدف خود را مشخص کند. خلاصه یک شرایطی پیش آمد و این دو با هم مدتی کار کردند بعد از مدتی بنا به دلایلی هر دو به دنیا برگشتند اما روح آن مرد به جسم گربه او وارد شد و بچه روح به جسم مرد. به این اتفاق تناسخ می‌گویند که از نظر اسلام مردود است. تعریف تناسخ آن است که: روح کسی به بدن کس دیگری یا حیوانی منتقل شود.

از این‌که قرآن می‌فرماید: «لقناه خلقاً آخر» می‌فهمیم که روح تکامل جسم است؛ لذا تعلق آن به جسم دیگر بی‌معناست و به قول ملاصدرا: «روح جسمانی الحدوث است؛ لذا تناسخ باطل است. در ادامه این بچه روح که در جسم آن مرد است، خواه و ناخواه با زندگی آن مردم روبرو می‌شود؛ چراکه به هر حال در جسم او وارد شده و زندگی روزمره او را می‌گذرانند. در این حین اتفاقاتی رخ می‌دهد که آن بچه روح از همین‌ها متوجه استعداد و کمال خود می‌شود و در واقع این رخداد مسیری در جهت تکمیل روحی آن بچه روح است. حال برای جمع کردن مطلب عرض کنم که باتوجه به مطالب مهم و مبسوط درباره زندگی پس از مرگ در قرآن، روایات، احادیث و همچنین تحقیقات زندگی پس از مرگ در برنامه بسیار عالی جناب آقای موزون (زندگی پس از زندگی) انجام شده می‌توان گفت که فیلم روح هم خیلی به جنبه زندگی پس از مرگ نپرداخته و تنها داستان را از ناحیه اتفاقاتی که برای یک روح و تجربیات او در زندگی دنیا رخ می‌دهد و یا

نمی‌کند اما به جهان پس از مرگ آن‌طور که باید و شاید نمی‌پردازد. (در بعضی نقدها گفته شده که هدف اصلی فیلم روح آن است، که به ما بفهماند که درگیری‌های دنیا و مقید کردن خود برای به‌دست آوردن زر و زیور آن همه و همه هدف ما نیست و باید این‌ها را رها کرد و از لحظه لحظه زندگی استفاده کرد و بهره برد؛ چراکه بعدها باید از این دنیا کوچ کنیم.

در فیلم یک سوال اساسی پرسیده می‌شود که آیا زندگی ارزش زیستن دارد؟ کل فیلم تا آخر به همین می‌پردازد که باید زندگی کرد و از زندگی لذت برد و از لحظه لحظه آن نهایت استفاده را برد. فیلم soul در مورد جدی‌نگرفتن جاه طلبی‌هاست به نظر این فیلم آرام در گوش‌مان می‌گوید هدفی وجود ندارد لذت ببرید.

ما می‌توانیم با نگاه بسیار عمیق‌تر به تکمیل این سوژه بپردازیم و ذهن مخاطب را به جهان آخرت که اتفاقاً بسیار مورد اهتمام قرآن است جلب نماییم؛ مثلاً به این آیات توجه کنید: «انا نحن نحیی الموتی و نکتب ما قدموا و

آثارهم و کل شیء احصیناه فی امام مبین» که می‌فرماید علاوه بر افعال آثار افعال ماهم ثبت و ضبط می‌شود. یا این آیه قرآن که می‌فرماید:

«فمن یعمل مثقال ذره خیرا یره و من یعمل مثقال ذره شرا یره» هر کس کوچک‌ترین خیری انجام دهد آن را مشاهده خواهد نمود و نیز هر کسی کوچک‌ترین شری انجام دهد آن را ملاحظه خواهد کرد. بنابراین ما می‌توانیم از منبع قرآن و روایات سوژه این فیلم را بسیار پر محتوا تر و جالب تر و پرثمرتر مطرح کنیم و نشان

نشان دهیم که علاوه بر این‌که زندگی ارزش زندگی کردن را دارد، لحظه لحظه آن به شرط آن‌که با عشق و محبت همراه باشد، بسیار ارزشمند است.

جالب آن که سراسر آیات و روایات، خداوند را به ما ارحم الراحمین معرفی می‌کند و تجربه گران مرگ موقت نیز آن‌گونه که از مشاهده خود می‌گویند، خدا را مهربان‌تر از مادر و مهربان‌تر از پدر مشاهده نموده‌اند؛ جالب‌تر این‌که اصرار همه ایشان این است که باید دیدگاه ما نسبت به عالم پس از مرگ و خود مرگ و علی‌الخصوص رحمانیت خدا به کلی تغییر کند و هنر سینما



می‌تواند در این رابطه نقش ارزنده‌ای داشته باشد به این روایت توجه کنید: «لو علم المدبرون کیف اشتیاقی بهم لمتاوا شوقاً» از چنین روایاتی رحمانیت خدا فهمیده می‌شود، چراکه می‌فرماید: «اگر کسانی که به من پشت کرده‌اند بدانند که من چقدر مشتاق ایشان هستم از شوق می‌میرند.» لذا جا دارد اصحاب هنر این سوژه را دست‌مایه ارائه به تر مفاهیم اسلامی و قرآنی قرار دهند



رابطه قرآن و علم

آرزو رضایی
کارشناسی ارشد علوم قرآنی



در قرآن با عباراتی برخورد می‌کنیم که از انسان خواسته شده است که تعقل و اندیشه کند اما این تشویق به تعقل و جستجو در علم از طرف قرآن مستلزم آن نیست که تمامی علوم تجربی جزئی از دین باشند اما به کارگرفتن علم در راستای دین امری درست و ضروریست.

دیدگاه‌های موجود در زمینه رابطه قرآن و علم:
۱. دیدگاه حداکثری

بر اساس این دیدگاه همه جزئیات علوم در قرآن وجود دارد. موافقان این دیدگاه آیات «وَلَا تَطْبِ وَلَا يَأْتِيسَ إِلَّا فِي كِتَابٍ مُبِينٍ» (انعام/ ۵۹) «و هیچ تر و هیچ خشکی نیست، جز این که در کتاب روشن گر (علم خدا ثبت) است» و «وَنَزَّلْنَا عَلَیْكَ الْكِتَابَ تَبْيَانًا لِّكُلِّ شَيْءٍ» (نحل/ ۸۹) «و کتاب (قرآن) را بر تو فرورستادیم که بیان گر هر چیز (از کلیات دین) و رهنمود و رحمت و مژده‌ای برای مسلمانان است» و «مَا فَرَقْنَا فِي الْكِتَابِ مِن شَيْءٍ» (انعام/ ۳۸) «هیچ چیزی در کتاب فروگذار نکردیم» را ادله محکمی برای اثبات ادعای خود می‌دانند و فقط به ظاهر آیه استناد می‌کنند. این گروه بر این نظراند که اگر علمی تاکنون از قرآن کشف نشده است از قصور عقل

ماست و گرنه قرآن جامع تمامی علوم است. آقای رضایی اصفهانی در رابطه با این نظریه گفته است: «مبنای این سخن مخدوش است، چون ظواهر قرآن اصول علوم و معارف دینی مربوط به هدایت بشر را شامل می‌شود و هرچند اشاراتی به علوم طبیعی دارد، اما علوم طبیعی را با تمام جزئیاتش، بیان نمی‌کند و در پی بیان آن هم نیست. از طرف دیگر، نمی‌توان علوم تجربی را در چهارچوب موضوعات و احکام دینی محدود و منحصر کرد و گرنه پیشرفت علوم متوقف یا کند می‌شود.»

۲. دیدگاه حداقلی

بر اساس این دیدگاه قرآن و علم تقریباً از هم‌دیگر جدا هستند. به عبارت دیگر قرآن به مسائل اخروی می‌پردازد و مسائل دنیوی را به مردم واگذار کرده تست و به نوعی، تعارض بین علم و دین قائل شده‌اند. البته چهره جدیدی از این دیدگاه را در سخنان کسانی می‌یابیم که می‌گویند: قرآن فقط مثال‌های علمی زده است. در این دیدگاه دو بعد «تعارض واقعی دین و علم» و «تعارض ظاهری دین و علم» مطرح می‌گردد که نیازمند بررسی است.

• تعارض واقعی قرآن و علم: این تعارض به تعارض در گوهر و ذات علم و دین است که چنین تعارضی قابل اثبات و قبول نیست.

• تعارض ظاهری قرآن و علم: در این قسمت باید گفت این‌که دو موضوع از نظر ظاهر تعارضی داشته باشند و در پی بررسی‌ها تعارض رفع شود امر دور از ذهنی نیست و گاهی امکان دارد چنین مسئله‌ای ایجاد شود که حل این مسائل راهکارهای متفاوتی دارد.

۳. دیدگاه میانه

بر اساس این دیدگاه قرآن و علوم رابطه سازگارانه دارند و بیش از دو هزار آیه قرآن به مسائل علمی پرداخته‌است و در موارد متعددی به اهداف و مبانی و روش‌های علوم انسانی و اخبار علوم طبیعی اشاره کرده است که در حد شگفتی و اعجاز علمی یا نظریه پردازی‌های علمی مطرح می‌شود که همگی این مطالب در راستای هدایت انسان،

وجود دارد، چراکه بعد از تفسیر سوره‌های ابتدایی عمر ایشان کفاف نمی‌داد تا به تفسیر سوره‌های آخر بپردازند؛ به همین جهت من از آخر شروع نمودم.» توجه بیش از حد به فقه و اصول موجب شده شرح بر کتاب‌های مکاسب و کفایه بسیار پرتعدادتر از تفسیر قرآن باشد.

تفسیر این بانوی اصفهانی در ۱۵ جلد چاپ شده است و نیازمند تجدید چاپ در شکلی قابل قبول تر است. برای نمونه تفسیر آیه ۷۲ سوره احزاب را می‌توانید ملاحظه کنید.

و یا به عنوان مثال در تفسیر سوره بقره ذیل آیه ۱۸۶ که می‌فرماید: «وَإِذَا سَأَلَكَ عِبَادِي عَنِّي فَانصُرْهُمْ بِقُرْبَانِي» خلاصه مطالب ایشان به این صورت است که، طبق روایت ابن عباس یهودیان گمان داشتند که، تا آسمان ۵۰۰ سال راه است و هر آسمان تا آسمان بعد نیز ۵۰۰ سال فاصله دارد، لذا این آیه نازل شد. سپس ایشان توضیح می‌دهد که قرب به خدا مکانی نیست؛ همان‌طور که اتصال ما با روح مادی نمی‌باشد و راجع به ادامه آیه که می‌فرماید: «إِجِبْ دَعْوَةَ الدَّاعِ إِذَا دَعَا» نقل می‌نماید اگر بین طالب و مطلوب توجه تام

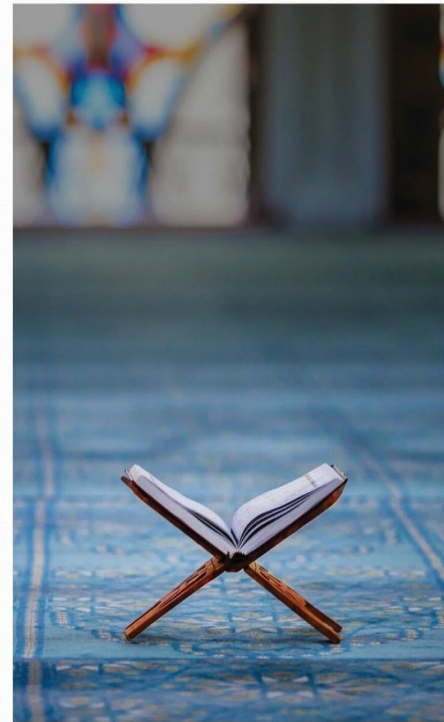
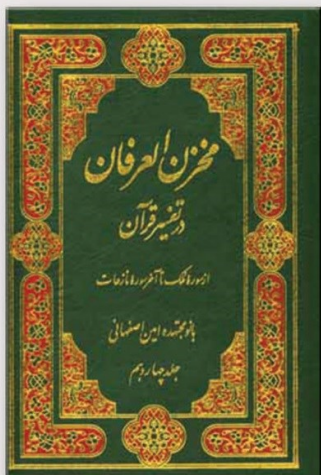
معرفی کتاب

سید محمدصادق مصباحی
کارشناسی علوم قرآن و حدیث

تفسیر مخزن‌العرفان از بانوی اصفهانی از تفاسیری است که شناخت کمی از آن وجود دارد و نیازمند اعتنا و توجه بیشتر است.

بانوی اصفهانی علاوه بر علمیت و اجتهاد، انسانی با تقواست که به مدارج بلند عرفانی راه یافته است و این مسئله علی‌الخصوص از کتاب نفعات الرحمانیه که شامل بر تجربیات بسیار بلند عرفانی ایشان است آشکار می‌گردد. درک قرآن بدون آشنایی با عرفان ممکن نیست یعنی درک کتاب آسمانی نیاز به ادراک آسمانی دارد و ادراک زمینی از فهم آن ناتوان است، لذا نظر این بانوی محترم در فهم آیاتی که جنبه عرفانی بالاتری دارند بسیار حائز اهمیت است. از این بانوی گرامی سوال شده است که چرا تفسیر را از آخر به اول انجام دادند؟ ایشان در جواب گفت: «از اهل علم تفسیر آخر قرآن کم‌تر

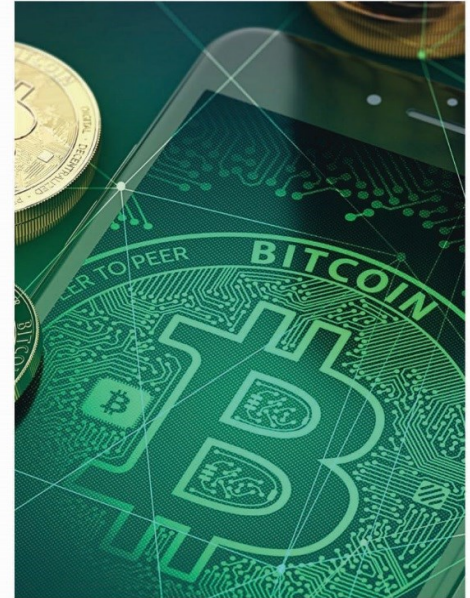
قلبی وجود داشته باشد، البته مطلوبش را می‌یابد و در ادامه راجع به آیه ۳۳ الرحمن مراد از نفوذ در اقطار سماوات و ارض را عروج روحانی می‌داند.



فرصت‌ها و تهدیدات استخراج رمز ارز و معاملات آن از منظر فقه

رضا خدائی

کارشناسی فقه و مبانی حقوق اسلامی



بیت‌کوین اولین ارز دیجیتال حقیقی یا رمز ارزی است که ایده آن سال ۲۰۰۸ در وایت پیپر بیت‌کوین منتشر و اولین سکه‌های آن در سال ۲۰۰۹ استخراج شد؛ هرچند پیش از بیت‌کوین نیز تلاش‌های زیادی برای ساخت یک ارز دیجیتال صورت گرفته بود ایده شکل‌گیری ارزهای دیجیتال از دو مشکل بزرگ «اعتماد به شخص ثالث» و «دوبار خرج کردن» ریشه می‌گیرد. ارز دیجیتال شکل دیگری از پول دیجیتال می‌باشد که بر پایه رمزنگاری ایجاد شده است. ماهیت غیرمتمرکز ارزهای دیجیتال به این معنی است که هیچ نهاد، گروه یا سازمانی آن‌ها را کنترل نمی‌کند. برخی ویژگی‌های منحصر به فرد سبب ایجاد تمایز بین ارزهای دیجیتال و پول‌های معمولی شده است. البته تمام این ویژگی‌ها در همه ارزهای دیجیتال وجود ندارد و می‌توان استثنائاتی را نیز مشاهده کرد اولین ویژگی ارزهای دیجیتال غیرقابل برگشت بودن تراکنش‌هاست. دومین ویژگی منحصر به فرد ارزهای دیجیتال، ناشناس بودن یا نیمه ناشناس بودن آن‌ها و سومین ویژگی رمز ارزها، جهانی یا فرامرزی بودن آن‌هاست.

ارسال پول به نقاط مختلف دنیا ممکن است با سیستم‌های فعلی تا چندین روز طول بکشد ولی ارزهای دیجیتال این کار را در عرض چند دقیقه می‌توانند انجام دهند. ارزهای دیجیتال محدودیت مرزی نمی‌شناسند و آن‌ها را می‌توان از هر نقطه‌ای در دنیا به نقطه دیگر فرستاد. چهارمین ویژگی امنیت ارزهای دیجیتال است پنجمین ویژگی که رمز ارزها را نسبت به پول‌های معمولی متمایز کرده، انحصاری نبودن آن‌هاست. افراد برای این‌که بتوانند از شبکه‌های ارز دیجیتال مختلفی مانند بیت‌کوین، اتریوم، لایت‌کوین و... استفاده کنند، نیازی نیست از شخص یا گروه و سازمانی اجازه بگیرند.

چالش‌های ارزهای دیجیتال:

۱. نامشخص بودن طرفین پرداخت
 ۲. عدم تایید ارزهای دیجیتال توسط اغلب نهاد‌های دولتی و قانونی
 ۳. غیرقابل ردیابی بودن یا دشوار بودن ردیابی گیرنده و فرستنده
 ۴. استفاده در برخی وبسایت‌های سیاه یا استفاده برای پول‌شویی
- قاعده لاضرر و لاضرار فی الاسلام از فقه فردی به طریق اولی به فقه حکومتی وارد می‌شود و بیان می‌کند که در هیچ معامله‌ای طرف یا طرفین نباید از معامله متضرر باشند که در سطح حکومتی و اقتصاد نیز قابل تعمیم است. باتوجه به این‌که قیمت بیت‌کوین و رمز ارزها به‌تر از هر کالای دیگری در سطح جهان با عرضه و تقاضا کنترل و تعیین می‌شود؛ پس در سطح فردی ضرر نمی‌تواند متوجه فردی باشد که از قیمت آگاه است و در غیر این صورت شرط غرر در معامله برقرار خواهد شد.

قاعده نفی سییل ناظر بر مسدود کردن امکان تسلط دیگران بر جامعه مسلمین از طریق رمز ارزها است. یکی از محکم‌ترین پاسخ‌ها به این شبهات، قاعده شرعی «البینه علی المدعی» است به عبارت به‌تر مدعیان این شبهات تا زمانی که دلیل روشن و دقیقی برای اثبات این ادعا نداشته باشند نباید با استناد به این شبهات حکمی در رد رمز ارزها صادر کنند. ولی در استخراج ارزهای دیجیتال نیز شبهات و ابهامات زیادی نیز وجود دارد که از دلایلی است که علما از استفاده آن اشکال وارد کرده‌اند.

(طبق نظر آیت‌الله مکارم شیرازی)

سوال: حکم معاملات بیت‌کوین (ارز دیجیتال) چیست؟

پاسخ: با توجه به ابهامات زیادی که بیت‌کوین دارد معامله آن اشکال دارد.

حضرت آیت‌الله هاشمی شاهرودی

سوال: حکم معاملات بیت‌کوین (ارز دیجیتال) چیست؟

پاسخ: با توجه به ابهامات فراوانی که این نوع معامله دارد، استفاده از این پول جایز نیست. آیت‌الله شبیری زنجانی معاملات بیت‌کوین (ارز دیجیتال) چه حکمی دارد؟

پاسخ: چنان‌چه استفاده از این‌گونه ارزها نوعاً مفسده اقتصادی داشته یا خلاف قانون باشد، خرید و فروش آن اشکال دارد.

نتیجه‌گیری: با توجه به نظرات علما و ویژگی‌های ارزهای دیجیتال، نظام اسلامی می‌تواند با قانون‌گذاری و ایجاد ارزهای دیجیتال مختص خود و رفع ابهامات به آن مشروعیت بخشد چون دنیای ارزهای دیجیتال فضای گسترده‌ای هست و همان‌طور که ممکن است دشمنان نظام اسلامی از آن علیه نظام اسلامی استفاده کنند کشور ما هم می‌تواند از ارزهای دیجیتال در جهت بهبود وضعیت اقتصادی مردم و حذف دلار از مبادلات تجاری خود با دیگر کشورها هم‌چنین غلبه بر تحریم‌ها با توجه به ویژگی‌های ارز دیجیتال که گفته شد استفاده کند.

نقش خانواده در بزهکاری افراد

زهرا کامیابی

کارشناسی فقه و مبانی حقوق اسلامی

خانواده اولین و مهم‌ترین نهاد تاثیرگذار بر فرد است. خانواده کوچک‌ترین واحد اجتماعی است که با ازدواج یک زن و یک مرد شکل می‌گیرد و با تولد فرزندان بر تعداد افراد این نهاد اضافه می‌شود. خانواده معمولاً محیطی امن برای رشد و پرورش استعداد‌های فرزندان است اما ممکن است در برخی خانواده‌ها برای فرزندان آثار منفی بسیاری را به‌وجود بیاورد. نحوه رفتار و تعامل والدین با فرزندان و با یکدیگر می‌تواند فرزندان را مستعد انجام جرم کند.

«بسیاری از مجرمان در خود خانواده دچار مشکلاتی هستند و والدین آن‌ها دارای شخصیت‌های ضداجتماعی هستند که باعث می‌شود نقش خانواده در این موضوع پررنگ شود. ممکن است خود والدین یا یکی از آن‌ها درگیر ناهنجاری‌های اجتماعی بوده باشند که این مسأله دارای قبح خاصی برای آن‌ها نیست. به‌طور کلی تاکید روی جنبه‌های مختلف اخلاق در خانواده، می‌تواند نتایج مثبتی به‌دنبال داشته باشد. خانواده‌هایی که اخلاق مدار هستند، شیوه‌های پرورش مناسبی در مورد تربیت فرزندان دارند و از فرزندان آن‌ها رفتارهای هنجارمندی مشاهده می‌شود. در این خانواده‌ها کمتر اتفاق می‌افتد که فرزند درگیر مسائل مجرمانه و بزه‌کارانه شود.» (ایسکا نیوز، ۱۳۹۵)

همان‌قدر که خانواده می‌تواند در رشد مثبت فرزندان تاثیرگذار باشد می‌تواند آن‌ها را به قعر فساد و تباهی بکشاند و عوامل آن را فراهم کند. اختلالات و آشفتگی‌ها در خانواده، طلاق والدین یا طلاق عاطفی والدینی که هم‌چنان هم با هم زندگی می‌کنند برای فراهم کردن بستر فساد کودکان بی‌تأثیر نیست. کودکان با الگو قرار دادن والدین سعی در تقلید رفتار و حرکات آن‌ها دارند «کودکان و نوجوانان بزه‌کار معمولاً دارای والدین بسیار خشن و سخت‌گیر یا بسیار بی‌تفاوت و بی‌توجهی هستند، عدم توجه و اهمیت به نیازها و خواسته‌های جسمی و روحی کودک، ذهن و فکر او را معشوش و دچار ناآرامی و التهاب می‌کند. از طرفی خشونت‌ها، سرزنش و سرکوفت‌های بی‌مورد، بی‌لیاقتی، سرخوردگی و در نهایت اضطراب دائمی را به ناخودآگاه فرد انتقال می‌دهد؛ در چنین وضعیتی کودک که جایگاه مشخصی برای خود در خانواده نمی‌یابد کم‌کم از حالت عادی خارج شده و به اعمالی روی می‌آورد تا شاید از این طریق توجه دیگران را به خود معطوف کند.» (ایکناقرزین، ۱۳۹۷)

جریان‌های قرآن- حدیثی معاصر

علی حسین زاده
کارشناسی علوم قرآن و حدیث

گرچه شناخت سطح و عمق تفکرات و جریان‌ات مطالعاتی در زمینه قرآن و حدیث در جهان اسلام ریشه در دیدگاه‌ها و آرای قرون اولیه اسلامی دارد، اما به دلیل رعایت مقتضای بحث، صرفاً بررسی جریان‌ات فکری فعال قرآنی و حدیثی در دوره حاضر می‌پردازیم: جریان نخست: جریان مطالعاتی سنتی بسته این جریان به صورت کلی ریشه در سنت تاریخی خود جهان اسلام دارد که در درون آن می‌توان جریان‌ات زیادی را برشمرد. جریان‌اتی که از یک نظر کاملاً وجه‌مشترک دارند و آن این‌که بومی محیط تاریخی جهان اسلام و متأثر از همین عوامل تاریخی محسوب می‌شوند. گرچه این جریان‌ات تفاوت‌های زیادی با یک‌دیگر دارند، اما همگی قرآن را دارای اعتبار می‌دانند. آتش‌خور اصلی اندیشه‌ای این گروه‌های اندیشه‌ای، عمدتاً به قرآن و اهل بیت می‌رسد.

جریان دوم: جریان پیرو کامل مطالعات غربی جریان عمده دوم جریانی است که ریشه در تاریخ فکری و فرهنگی جهان اسلام ندارد. ریشه آن را باید در آشنایی جهان اسلام با جهان غرب جست‌جو کرد. این جریان‌ات متأثر از غرب هستند. بازتاب بدون تصرف دنیای مدرن‌اند. این جریان‌ات بی تاریخ نیستند، ولی تاریخ‌شان جای دیگری است. ذیل این جریان هم اختلافات زیادی وجود دارد. در جهان اسلام از

حدود ۱۵۰ سال قبل، بخشی از ذهنیت و رفتار مسلمانان رنگ غرب‌زدگی به خود گرفت و چنان‌که می‌فرماید: «ن تَشَبَهَ بِقَوْمٍ فَهُوَ مِنْهُمْ»، این گروه نیز نماینده تفکرات غربی‌اند. این تشبه و رنگ باختگی فقط در پوشش نیست؛ بلکه در اندیشه است. ویژگی اصلی این جریان این است که دنیوی و این جهانی است و هیچ پوشش آسمانی به خود نمی‌گیرد. به عبارت دیگر سکولار هستند.

سکولاریزم مهم‌ترین ویژگی جهان مدرن است؛ یعنی این جهانی است. سکولاریزم به معنای جدایی دین از سیاست نیست؛ بلکه نوعی هستی‌شناسی و جهان‌بینی است. سکولاریزم دو نوع است: عملی و نظری سکولاریزم عملی همواره در طول تاریخ با اشکال مختلف وجود داشته است. اما سکولاریزم نظری که به شکل عربان و یک فرهنگ درآید، ویژگی دنیای مدرن است. این جریان به‌طور کلی حمایتی از دین برای خود برنمی‌تابد.

البته درگیری این جریان با سنت‌های تاریخی خود، گاهی علنی و عربان است و گاه در پوشش دین، به عبارت دیگر جریان‌ات مدرن آن‌گاه که وارد جامعه‌ای با ریشه‌های دینی می‌شوند، ناگزیرند رنگ دین به خود بگیرند و با این زبان ارتباط برقرار کنند.

جریان سوم: جریان سنتی و درگیر با جهان مدرن دو جریان عمده دیگر، که در ادامه خواهند آمد، درواقع مستقل نیستند و در ذیل دو جریان بالا قرار می‌گیرند. منتها با این ویژگی که ناظر به جریان رقیب‌شان عمل می‌کنند؛ برای نمونه، در داخل جریان سنت تاریخی اسلامی، جریانی به وجود می‌آید که در محیط خود ایزوله نمی‌شود و

خود را در محیطی بسته بازتولید نمی‌کند؛ بلکه خود را درگیر با مدرنیته می‌کند. این جریان یک جریان سنتی فعال شده است؛ مثال یک جریان تاریخی فقهی وجود دارد که در مشروطه فعال می‌شود. یعنی درگیر با حوادث زمانه می‌شود و سعی می‌کند درباره آن راه‌کار و نظر فقهی بدهد. جریان‌اتی مانند جریان عمده اول که در عین این‌که تاریخ درحال تغییر است، در محیط خودشان ایزوله می‌شوند، قابل دوام نیستند. مثال وقتی رضاخان می‌آید و می‌خواهد ایران را از نوک پا تا فرق سر فرنگی کند، دیگر جایی برای جریان‌ات محصور در محیط ایزوله سنتی که با محیط پیرامون خود ارتباط برقرار نکنند، نخواهد ماند. اگر مردم فرنگی بشوند، دیگر سوال شرعی ندارند که از مراجع تقلید بپرسند. جریان چهارم: تفسیر مدرن از دین اما جریان عمده چهارم جریانی است که از حاشیه جریان‌های مدرن برای بومی شدن فعال می‌شود. این جریان می‌خواهد به صورت مختلف با سنت تاریخی خود درگیر شود و در آن تصرف کند. این‌ها که از منظر مدرن به بازخوانی سنت می‌پردازند، نه از منظر سنت به جهان مدرن، جزء جریان عمده چهارم‌اند.

یک نوع مارکسیست داریم که اساساً اسلام را قبول ندارد و آن را رد می‌کند. ولی نوع دیگری از مارکسیست بوجود آمد که می‌گفت پیامبر اسلام همان حرف‌های مارکس را قبل از او می‌زده است! این‌ها نماینده جریان چهارم هستند. این جریان هم سکولار است، ولی ستیز علنی با دین نمی‌کند؛ بلکه قرائت و تفسیر سکولار از دین ارائه می‌کند. این جریان سعی می‌کنند پوششی دینی به تفکرات خود بدهد.

در ذیل این جریان هم سطوح مختلفی وجود دارد. فردی که چنین رویکردی دارد، بسته به این‌که کدام‌یک از تفکرات غرب را پسندیده باشد، دین را نیز همان‌گونه تفسیر می‌کند. اگر قائل به مارکسیسم باشد، دین را تفسیری مارکسیستی می‌کند و اگر لیبرالیست باشد، تفسیر لیبرالیستی از دین ارائه می‌کند. قبلاً که مارکسیسم روی بورس بود، امثال مجاهدین خلق و فرقان تفسیر مارکسیستی از قرآن می‌نوشتند. امروز که لیبرال‌ها روی بورس‌اند، این طرف هم تفسیرهای لیبرال از اسلام مُد شده است. بعد از انقلاب اسلامی دیگر نباید دنبال سکولاریزم عربان گشت. بلکه جریان چهارم است که فعال می‌شود. چندین نصر حامد ابو زید به وجود می‌آید که قرائت جدیدی از اسلام انجام دهند. این‌ها قبل از انقلاب اسلامی مفاهیم مدرن را به شکل عربان مطرح می‌کردند، اما بعد از انقلاب مجبور شدند تحت لوای دین حرف خود را بزنند.



■ بررسی تطبیقی عرف

در حقوق ایران و آمریکا

| محمدعلی رضاپور کفترودی
کارشناسی فقه و مبانی حقوق اسلامی

مقدمه: مسأله عرف موضوعی است که در سیستم حقوقی ایران و آمریکا مورد توجه قرار گرفته است. برای درک درست از ارزش عرف، نیازمند بررسی مفاهیم آن در هر کدام از این سیستم‌ها هستیم و برای این کار باید نگاهی گذرا به تاریخچه عرف و نقش و اعتبار آن در این دو نظام بیندازیم. سپس به بررسی تحلیلی مقایسه‌ای این مفهوم و بیان نقاط قوت و ضعف آن در هر کدام از این کشورها می‌پردازیم. بین تعاریف اولیه عرف شاید وجوه مشترک زیادی وجود داشته باشد اما تفاوت‌های ریشه‌ای بین این مفهوم در این دو کشور وجود دارد. در این شماره از نشریه، ابتدا به تعریفی جامع و مانع از عرف می‌پردازیم و در شماره‌های بعدی ادامه آن را پی می‌گیریم.

انسان‌ها با زندگی اجتماعی خود، موارد متعددی را در کنار یکدیگر به وجود آورده‌اند. یکی از آن‌ها عرف است که متعلق به یک ناحیه یا قسمت خاص از زمین نیست و در هر جایی که اجتماعی از انسان‌ها وجود دارد، عرف نیز شکل می‌گیرد.

دانشتهای حقوقی

وکالت معاضدتی

| سید محمد مهدی کیانی هرچگانی
کارشناسی فقه و مبانی حقوق اسلامی

می‌دانیم که معمولا پرونده‌های حقوقی دارای پیچیدگی‌های متعددی است که غالباً امکان پیگیری قضایی و موفقیت در پرونده را برای افراد عادی جامعه که شخصاً اقدام به طرح دعوی می‌کنند سلب می‌نماید.

یعنی برای افزایش احتمال موفقیت در دفاع از حق خود ناگزیریم تا از افراد متخصص در امور حقوقی و به‌طور خاص وکلای دادگستری بهره‌مند شویم.

اما یکی از نگرانی‌های اصلی که در سطح جامعه وجود دارد هزینه‌های بالای این خدمات است که امکان بهره‌مندی از وکلای را برای بسیاری از مردم عادی سلب می‌کند.

اگرچه گام‌هایی در جهت حل این موضوع در حال برداشته شدن است؛ از جمله:

افزایش عرضه خدمات حقوقی یا افزایش تعداد وکلای، طرح‌هایی مانند هر مسجد یک حقوق‌دان و... که همگی نویدبخش بهبود وضعیت سخت بهره‌مندی مردم از وکلای است اما در این مرقومه قصد داریم تا به یکی از ظرفیت‌های موجود فعلی که بسیاری از مردم از آن بی‌اطلاع هستند بپردازیم و

موضوعی که به ظاهر ساده به نظر می‌آید ولی در تصمیم‌گیری‌های قضایی در سیستم‌های حقوقی دنیا، از جمله ایران و آمریکا، سرنوشت‌ساز می‌شود و از این جهت بسیار حائز اهمیت و نیازمند بررسی است.

در دانش فقه و اصول، علما عرف را به شکل خاصی معنا نکرده‌اند ولی از آن با نام‌هایی چون سیره عملی، عرف‌العاده و... یاد کرده‌اند. در زمان استقرار شریعت اسلام در جزیره‌العرب همه‌ی امور حقوقی اعراب تابع عرف و عادت بود و این خود می‌تواند مقدار تاثیر عرف را بر فقه و حقوق آشکار سازد. نظام حقوقی آمریکا (کامن لا) به حقوق عرفی معروف است که همین نشان دهنده اهمیت عرف در زیربنای نظام حقوقی این کشور است و به این معنی است که هر نظام حقوقی که مدون نباشد، عرفی است. در آمریکا زمانی به قوانین عرفی مراجعه می‌شود که مصوبه‌ای موجود نباشد و در قانون اساسی هم موردی پیش‌بینی نشده باشد، سپس دادگاه‌های فدرال و ایالتی به قوانین عرف مراجعه می‌نمایند.

۱. تعریف مفهوم عرف

۱.۱. مفهوم عرف در علم حقوق

از ژولین، حقوق‌دان روم باستان نقل شده است: عرف و عادت، عبارت از حقوقی است که از آداب و سجایای مردم پدیدآمده و اثر قانون را دارد (جوان، ۱۳۷۹، ج ۱، ص ۲۱). هم‌چنین در بعضی از نوشته‌های حقوقی آن را قواعدی دانسته‌اند که حاصل استخراج از پدیده‌های اجتماع است و بدون این‌که قانون‌گذار در آن دخالت کند، به صورت قاعده حقوقی درآمده است که در این معنا به غیر از قانون، دیگر منابع حقوق از جمله رویه قضایی و

آن وکیل معاضدتی است. معاضدت در لغت به معنای کمک‌کردن و یک‌دیگر را یاری‌کردن می‌باشد، یکی از انواع وکالت که در قانون بیان شده است و مخصوص امور و دعاوی حقوقی می‌باشد،

وکالت معاضدتی است که مستندات قانونی آن عبارتند از: اصل ۳۵ قانون اساسی و ماده ۲۴ قانون وکالت. در ماده ۲۴ قانون وکالت این گونه آمده که وکیل معاضدتی، وکیلی است که برای کسانی که توانایی و قدرت پرداخت حق الوکاله را ندارند تعیین شده است و افراد می‌توانند از کانون وکلا تقاضای وکیل معاضدتی کنند.

کانون پس از بررسی شرایط تقاضای و انجام تحقیقات در صورتی که شرایط لازم از جمله عدم توانایی مالی فرد و دارای اساس بودن موضوع دعوا (سرانجام داشتن طرح چنین دعاوی) احراز شد، وکیل معاضدتی را به وی معرفی می‌کند.

وکیل معاضدتی حق رد پرونده را ندارد و حق الوکاله‌اش نیز در صورتی که موکلش محکوم له واقع شده و محکوم به وصول شود (یعنی پیروز دعوی مالی شود و به مال مورد مطالبه‌اش برسد) از آن چه وصول شده پرداخت خواهد شد.

درغیراین‌صورت طبق قانون، کانون وکلا حق الوکاله وکیل معاضدتی را پرداخت خواهد کرد. فلذا شما خوانندگان گرامی در صورتی که دعاوی حقوقی داشتید و شرایط فوق را نیز دارا بودید، می‌توانید ضمن مراجعه به کانون وکلای دادگستری یا مرکز وکلا قوه قضائیه از این امکان بهره‌مند شوید.

قواعد ناشی از عقاید علمای حقوق را نیز دربر می‌گیرد (کاتوزیان، ۱۳۴۹، ص ۱۸۷). البته این نکته قابل توجه است که قانون همواره حفظ نظم و آرامش جامعه را در اولویت خود قرار داده است و از این جهت به عرف احترام گذاشته و رعایت آن را لازم می‌شمرد و هرگونه تخلف از آن را موجب‌به‌اخلال نظم می‌داند.

از نظر بعضی حقوق‌دانان عرف دارای چهار خصوصیت است و تنها زمانی دارای آثار حقوقی خواهد بود که این چهار شرط وجود داشته باشند:

۱. تکرار

۲. یکسان بودن تفسیر و پیوستگی در آن

۳. واضح بودن تفسیر

۴. التزام داشتن برای افراد

منابع:

جوان، موسی، ۱۳۶۶، مبانی حقوق، بی جا، بی نا

کاتوزیان، ناصر، ۱۳۴۹، کلیات حقوق، تهران:

انتشارات دانشگاه تهران



شناخته

● صاحب امتیاز:

انجمن علمی علوم قرآن و حدیث با همکاری انجمن علمی فقه و مبانی حقوق اسلامی

● مدیر مسئول: علی حسین زاده

● سردبیر: زهرا کامیابی

● ویراستار: زهرا رنجبر

● طراح: فاطمه قراغانی

● هیئت تحریریه: دکتر علی پورجوهری،

علی حسین زاده، سید محمد مهدی کیانی

هرچگانی، سید محمد صادق مصباحی،

رضا خدائی، مهدی وحدتی، محمدعلی

رضاپور کفترودی، آرزو رضایی، زهرا کامیابی،

محبوبه غلامی پای‌برج

● راه‌های ارتباطی: (جهت ارسال

انتقادات و پیشنهادها شما مخاطبین گرامی)

۰۹۳۳۹۶۷۰۴۴۳

@elmi_shiraz

انجمن علمی علوم قرآن و حدیث

@feghvahoghogh

انجمن علمی فقه و مبانی حقوق اسلامی